



علم

منجم آماتور چه می کند نجوم نوین ایران

۲۲



ویژه روز نجوم

نگاهی به پدیده‌های رصدی سال ۱۳۸۵ آهنگ سفر کاروان نجوم ایران

دانشی و زندگی

چهارم

یادی از فعالیت های سال ۴۰ معلمان و کشته شدن دکتر خانعلی

در میان توفان

شیرزاد عبدالهی



- در روزنامه شرق

می دیدند که در میدان بهارستان اجتماع کرده اند و هر لحظه بر تعداد آنها افزوده می شود اما میدان روی هم رفته آرام بود. با ورود نیروی انتظامی به میدان درگیری و دیکتاتوری رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ محمد درخشش نیز مانند بسیاری از جوانان تحصیل کرده آن روزگار جذب فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شد.

برخی از فرهنگیان که خاطرات آن دوره خود را نوشته‌اند از جمله محمدعبدالله گرجی، درخشش را فرد جاه‌طلب و ماجراجویی معرفی کرده‌اند که برای رسیدن به مقام بالاتر از هیچ اقدامی فروگذار نمی کرد. در دهم مردادماه سال ۱۳۲۵ احمد قوام کابینه خود را ترسیم کرد و برای اولین بار یک کابینهٔ ائتلافی با شرکت سه نفر از اعضای حزب توده تشکیل داد و فریدون کشاورز از جانب حزب توده وزیر فرهنگ شد. این ائتلافی ناپایدار بود و سه ماه پیشتر طول نکشید. یکی از تشکل‌های معتبر آن دوره جامعه فارغ‌التحصیلان دانشسرای عالی بود، که هیات رئیسه‌ای متشکل از ۲۵ نفر زیر نظر رئیس جامعه آن را اداره می کردند. از جمله وظایف هیات‌رئیسه جامعه دانشسرای عالی ارائه طرح‌هایی در کمک به وزارت فرهنگ در جهت بهبود شرایط کار و زندگی معلمان بود. در هیات‌رئیس جامعه شخصیت‌هایی مانند دکتر خانلری، دکتر معین، ذبیح‌الله صفا، احمد بیرشک، علی اصغر شمیم و جهانگیر تفضلی و... عضویت داشته‌اند. عبدالله گرجی در خاطرات شفاهی می گوید: «در سال ۱۳۲۵ فرهنگیان توده‌ای قصد داشتند، ریاست این جامعه را قبضه کنند، به همین جهت با درخشش صحبت کردند تا او را به عنوان نماینده خود معرفی کنند.» اگر این گفته صحت داشته باشد، همکاری حزب توده و محمد درخشش یک همکاری تاکتیکی بوده است.

درخشش تنها هیچ‌گاه عضو حزب توده نشد بلکه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۲۳ در انتخابات مجلس هجدهم به عنوان نماینده انتخاب شد و این زمانی بود که حزب توده منحل اعلام شده بود و بسیاری از اعضای آن در زندان فرمانداری نظامی بودند و باقی‌مانده اعضای آن هم فعالیت مخفی و زیرزمینی داشتند. درخشش در سال‌های دهه ۳۰ باشگاه مهرگان را تأسیس کرد. نام باشگاه مهرگان با اعتصاب معلمان در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۴۰ بر سر زبان‌ها افتاد و رئیس این باشگاه یک شبه تبدیل به رجلی سیاسی شد که وزرا و نمایندگان مجلس برای ملاقات با او باید در نوبت می‌ماندند. محمد درخشش با استفاده از نارضایتی معلمان و در مخالفت با دولت شریف‌امامی از دبیران و آموزگاران تهران دعوت کرد که در اعتراض به لایحه اشل حقوقی معلمان صبح روز ۱۲ اردیبهشت در میدان بهارستان تجمع کنند. نسیمی که با آمدن کندی وزیدن گرفته بود، به تدریج تبدیل به توفانی بنیان‌کن می‌شد و بسیاری از سیاستمداران کهنه‌کار در انتظار آن چشم به رفت و آمدهای دیپلماتیک دوخته بودند. کسی گمان نمی کرد که تجمع صنفی معلمان در میدان بهارستان آغاز این ماجرا باشد. در جلسه روز دهم اردیبهشت‌ماه سال ۴۰ جهان‌شاه صالح وزیر فرهنگ لایحه «اشل حقوقی جدید فرهنگیان» را تقدیم مجلس کرد. براساس این لایحه حداکثر حقوق آموزگاران ۱۰۶۰۰ ریال و حقوق دبیران ۱۴۵۰۰ ریال پیش‌بینی شده بود. فرهنگیان و بیش از همه باشگاه مهرگان و رئیس پرتحرک آن به این لایحه معترض بودند. نمایندگان‌کی که روز سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت‌ماه وارد مجلس می‌شدند معلمانی را

خبر مرگ خانعلی را در مجلس اعلام کرد. عبدالله گرجی به سرمایه‌داران و مقاطعه‌کاران تاخت و خواستار برخورد با محمد درخشش به اتهام تحریک معلمان شد. الهیار صالح فرصت را برای حمله سیاسی به دولت و طرح مطالبات ملی مناسب دید. جفرودی در نطق پیش از دستور خود گفت: «قاپطه معلمان بر اثر ترقی فاحش قیمت‌ها، مزایای افزایش حقوق معلم را از دست داده‌اند. متالم و متاثر به انجام دادن وظیفه خطیر معلمی ادامه دادند، برای آنکه خود و فرزندانشان از گرسنگی نمریزد. ساعات فراغت و مطالعه

خود را به ثمن بخش فروختند و از پام تا شام در مدارس مختلف و محافل متعدد به درس دادن پرداختت، هرچقدر بیشتر کوشیدند، و از آسایش خود و خوراک فرزندان خویش کاستند، کمتر موفق به تهیه مسکن و پوشاک گردیدند.» الهیار صالح دولت را مسئول تیراندازی وحشیانه پلیس به سوی جمعیت معلمان معرفی کرد. بعد از سخنان نمایندگان، شریف‌امامی نخست‌وزیر، پشت‌تریون قرار گرفت و از حادثه روز سه‌شنبه ابراز تاسف کرد و دولت را در تیراندازی پلیس بی‌تقصیر دانست و گفت: «دولت به پلیس دستور داده بود که حتی‌المقدور آرامش و نرمش را حفظ کند و به هیچ‌وجه مزاحم جمعیت نشود.» شریف‌امامی قول داد که به مشکلات معلمان رسیدگی کند. سردار فخر رئیس مجلس نیز گفت که درهای مجلس به روی فرهنگیان باز است و مایل است با نمایندگان معلمان گفت‌وگو کند. فضای سیاسی آبستن حوادث برقرشته بود.

بود. در میانه سخنران شریف‌امامی یکی از نمایندگان طرح استیضاح نخست‌وزیر را به هیات رئیسه مجلس تقدیم کرد. شریف‌امامی عصبانی شد و مجلس را ترک کرد. به دفتر نخست‌وزیری رفت و مسائل شخصی و نامه‌ها و اوراق لازم‌را برداشت و به منزل رفت، دو ماه پس از معرفی کابینه به مجلس استعفا‌ی خود را تقدیم دربار کرد. شاه با استعفا‌ی شریف‌امامی که یکی از خواسته‌های معلمان بود موافقت کرد. کلاس‌های درس تعطیل بود، هزاران معلم صبح و بعدازظهر در خیابان لاله‌زار مقابل باشگاه معلمان جمع می‌شدند و به سخنرانی‌های تند و آتشین گوش می‌دادند. خواست دیگر معلمان دستگیری و مجازات سرگرد شهرستانی قاتل دیویسرت معلم دانشمند و شهید بود. حالا دیگر دبیران و آموزگاران در کانون تحولات پرشتاب سیاسی جای گرفته بودند. سقف خواسته‌های معلمان هر روز بالاتر می‌رفت. سقوط کابینه شریف‌امامی اعتماد به نفس رهبران معلمان را افزایش داده بود. محمد درخشش که بعد از حوادث ۱۲ اردیبهشت دستگیر و زندانی شده بود، بعد از چند روز آزاد شد و مانند یک قهرمان به میان معلمان برگشت. اکنون انتخاب وزیر نیز به فهرست تقاضاهای معلمان افزوده شده بود و ناگفته معلوم بود که کاندیدای مورد اعتماد آنها کسی جز درخشش نیست. اعتصاب معلمان ادامه داشت. یکی از حوادث مهم سیاسی این روزها تشییع جنازه دکتر خانعلی از مسجدی در خیابان اسکندری تا میدان شاه (جمهوری) و میدان بهارستان است. سرتاسر این مسیر طولانی تابوت خانعلی بر دوش معلمان و دانشجویان حمل شد. هزاران نفر در این تشییع که به نمایشی سیاسی علیه استبداد تبدیل شده بود شرکت کردند. مردم به معلمان به چشم قهرمانان آزادی می‌نگریستند. در پایان مسیر هزاران نفر در میدان بهارستان به سخنرانی‌های خشم‌آلود و سرشار از کنایه به شاه و دربار گوش دادند. آنگاه جنازه خانعلی را در آمبولاسی گذاشتند



خانه

پارچه‌های قدیمی در دکوراسیون‌های امروزی راه‌های مقابله با چاقی

۲۴

گفتارها

دسته گلی بر مزار تو

امروزه نام دکتر ابوالحسن خانعلی بر تابلوی هیچ مدرسه‌ای دیده نمی‌شود، هیچ‌یک از تالارها و ساختمان‌های پرشمار آموزش و پرورش به نام این معلم مظلوم نامگذاری نشده است. انگار آموزش و پرورش ما از بهمن ۵۷ شروع شده و هرچه قبل از آن بوده جز بروت ظلمت و فساد و تباهی نام دیگری را شایسته نیست. چگونه می‌توان تاریخ صدساله و به تعبیری ۱۵۰ ساله آموزش و پرورش (از تأسیس دارالفنون به بعد) را نادیده گرفت. در این میان تنها نام دکتر خانعلی نیست که از دفاتر رسمی شسته شده است. بسیاری از مفاخر فرهنگی ما هم به همین سرنوشت دچار شده‌اند. بسببیری از زنان و مردانی که در دوره سلطنت ناصرالدین شاه مدارس جدید را در ایران پایه‌گذاری کردند به همین سرنوشت دچار شده‌اند. مگر می‌توان تلاش‌های سیدحسن رشیدی را به عنوان پایه‌گذار دبستان و ابداع‌کننده روش صوتی تدریس الفبا از تاریخ آموزش و پرورش ایران حذف کرد؟ نهالی که آن روز به دست این پیشگامان فرهنگی کاشته شد، امروز به جنگلی انبوه تبدیل شده است. حتی اگر ما از زاویه عقیدتی هم به موضوع نگاه کنیم، قاعدتاً باید گواهی تاریخ را در مورد این بزرگمرد بپذیریم. این انسان خلاق و مردم‌دوست هدفی جز مبارزه با بیسوادی نداشت. روزی که در یک روزنامه خواند که در اروپا از هر هزار نفر ده نفر بی‌سواد است اما در ایران از هر هزار نفر ۱۰ نفر بی‌سواد است مسیر زندگی خود را عوض کرد. آن زمان میرزا حسن که در محضر پدر روحانی مقدمات فقه و اصول را خوانده بود و برای ادامه تحصیلات علوم دینی عازم شهر نجف بود خود را در برابر این پرسش یافت که: «وظیفه دینی و اخلاقی من چیست؟» وجدانش به او حکم کرد که راه بیروت را در پیش گیرد و در آنجا روش‌های نوین آموزش الفبا را بیاموزد و آن را با زبان فارسی تطبیق دهد. حسن رشیدی را باید آنگونه که بود بشناسیم: مردی مقدس، بااخلاق و ساده‌زیست از خانواده‌ای روحانی و خود نیز طلبه علوم دینی که یکی از مواد درسی او در دبستان هایش شریعات بود. درست است که مکتب‌داران او را تکفیر کردند اما علمای بزرگ زمان مانند سیدمحمد طباطبایی و هادی نجم‌آبادی کار رشیدی را ستوده‌اند. و از گسترش دبستان و سوادآموزی به سبک جدید حمایت کرده‌اند. ما اسیر نگاه سیاه و سفیدی شده‌ایم. در این نگاه گویی هرآنچه که متعلق به گذشته است فاسد و طاغوتی و با دست کم مشکوک است. یا این یا آن، یا فاسد یا صالح یا سیاه یا سفید. روز معلم هر اسیر چنین نگاهی شده است. ۱۸ سال پیش از شهادت استاد مرتضی مطهری در اولین بهار آزادی، گلوله‌ای از کالیبر هفتی و استبداد بر مغز معلمی جوان نشست که مثل همه انسان‌های متمدن برای طرح مطالبات خود به خانه ملت پناه آورده بود. نام ابوالحسن خانعلی در سال ۱۳۴۰ بارها تیرِ صحنهٔ اول روزنامه‌ها شد، احزاب سیاسی و نمایندگان مجلس، نام او را وسیله‌ای برای رونق کار خود می‌دانستند و معلمان از این خون به‌ناحق ریخته به خشم آمدند و در بهار سال ۴۰ بزرگ‌ترین همایش‌های صنفی و سیاسی را برپا کردند. اما استبداد از پی اصلاحات آمد. باشگاه معلمان تعطیل شد، مردان سیاست گوشه‌نشین شدند و تنها یک نفر می‌اندیشید و یک نفر سخن می‌گفت. مردی که گمان می کرد رسالتی بر دوش دارد و چیزهایی می‌فهمد که دیگران نمی‌فهمند، اصلاً هیچکس هیچ چیز نمی‌فهمد و او توسط مشتی رجاله و تملق‌گو احاطه شده بود. مطالبات معلمان نیز فراموش شد تا اینکه بهار آزادی فرا رسید. اعتصاب معلمان در مهر و آبان سال ۵۷ کم‌رژیم را شکست، معلمان در این دوره مطالبات صنفی را کنار گذاشته و با اقتضار و اصناف دیگر در یک صف علیه استبداد شعار دادند. در اولین بهار آزادی و درست در روز ۱۲ اردیبهشت‌ماه بار دیگر گلوله‌ای از جانب جهل و تعصب شلیک شد. و مغز استاد مرتضی مطهری متفکر اسلامی، روحانی، استاد دانشگاه و نویسنده ده‌ها کتاب و مقاله بارززش را نشانه گرفت. این بار معلمی به خاک و خون غلغید و انقلاب اسلامی به نام استاد مطهری روز ۱۲ اردیبهشت را روز معلم اعلام کرد. روز معلم سال ۴۰ با روز معلم سال ۵۸ نه تنها در تعارض با هم نیستند، بلکه مکمل هم و در امتداد یکدیگرند. به مدد خون استاد مطهری و نام او روز ۱۲ اردیبهشت روز معلم زنده ماند. شاید اگر نبود شهادت استادمطهری در روز ۱۲ اردیبهشت، روز معلم در میان افراط و دیروز ما و نکته‌های اول انقلاب گم می‌شد و امروز نه نشانی از روز معلم بود و نه یاد و خاطره‌ای از دکتر خانعلی. معلمان باید بگویند که از پتانسیل نام و یاد استاد مطهری برای ارتقای جایگاه معلمان در جامعه استفاده کنند. نه حذفی در کار است، نه تعارضی و نه تقابل. خانعلی یک معلم است و بی‌ادعا بود، نماد امروز و دیروز ما و نکته‌های اینکه در هیچ سند تاریخی هیچ گروهی خانعلی را متعلق به خود نمی‌داند. او متعلق به جامعه معلمان ایران است. در کنار بزرگداشت روز معلم و خاطره شهادت استاد مرتضی مطهری گوشه چشمی هم به ابن‌بابویه داشته باشیم. در زیر سنگ گوری ساده یک معلم خفته است که خوشن به ناحق ریخته شد. فاتحه‌ای نثار روحش کنیم و دسته گلی بر مزارش بگذاریم.

بایگانی

پاداش فرهنگیان مناطق محروم

۲/۸/ ۱۳۸۵ ایستا : در جلسه شورای آموزش و پرورش استان کرمان دکتر ژوئی نژاد استاندار و رئیس شورای آموزش و پرورش استان کرمان در سخنانی به مناسبت هفته بزرگداشت مقام معلم گفت : به پاس تجلیل از فرهنگیان استان علاوه بر اختصاص هدیه به تمامی فرهنگیان استان تلاش کردیم پاداش فرهنگیان مناطق محروم نیز پرداخت شود. استاندار کرمان در این مراسم تصریح کرد: معلمین سرمایه‌های با ارزشی هستند که در خدمت ترویج علم و دانش هستند و باید دستگاه‌های مدیریتی و اجرایی استان نیاز مسکن فرهنگیان را در عالی‌ترین شرایط با تسهیلات ویژه برای آنان به‌وجود آورند. رئیس شورای آموزش و پرورش استان ضمن تبریک موفقیت‌های دانش‌پژوهان جوان پژوهشکده تعلیم و تربیت از تأسیس بنیاد نخبگان در استان خبر داد و افزود: امیدواریم با تأسیس این بنیاد و طرح‌های پیش‌بینی‌شده در آن شاهد موفقیت‌های روزافزون در این بخش باشیم. احمد فتحی رئیس آموزش و پرورش استان نیز از تصویب چهار هزار میلیارد دلار در مجلس شورای اسلامی جهت مقام‌سازی و استحکام فضا‌های آموزشی در کشور خبر داد و گفت: تخصیص این اعتبار در نوع خود بی‌سابقه بوده که بهترین هدیه دولت به مجموعه آموزش و پرورش است. وی از پرداخت عمده مطالبات فرهنگیان استان از سال ۷۷ خبر داد و اظهار داشت: پرداخت به موقع این مطالبات رضایت‌مندی بالایی را در بین فرهنگیان استان به‌وجود می‌آورد که امیدواریم با پیگیری‌های مسئولین استان مابقی مطالبات فرهنگیان را پرداخت نماییم تا سال ۸۵ سالی باشد که فرهنگیان استان هیچ‌گونه مطالباتی نداشته باشند. دبیر شورای آموزش و پرورش استان در پایان از سازماندهی اوقات فراغت در تابستان امسال خبر داد و افزود: رویکرد اصلی ما بحث مسائل علمی است و ما آموزش را در بحث اوقات فراغت با شکل و زبان دیگری در تابستان امسال اجرا خواهیم کرد.

سیاست‌های جدید ستاد بزرگداشت مقام معلم تشریح شد

۲/۵/ ۱۳۸۵ ایستا : ستاد بزرگداشت مقام معلم اعلام کرد: کلیه معلمان نمونه معرفی‌شده از سوی استان‌ها به عنوان معلمان نمونه کشوری برگزیده می‌شوند. دکتر سیدحسن نقوی مدیرکل دفتر آموزش و ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای و تربیت معلم و دبیر ستاد مرکزی بزرگداشت مقام معلم گفت : برای تحقق شعار «عدالت محوری» اسمال در بحث انتخاب معلمان نمونه، امکانات هر استان با خود آن استان سنجیده شده و تعداد ۱۵۷ نفر معلم نمونه در سطح کشور معرفی می‌شود که پنج نفر از آن سهمیه به مدارس استثنائی تعلق گرفته است. دبیر ستاد بزرگداشت مقام معلم امروز در نشست خبری گفت : معیارهایی که موجب کسب امتیاز برای داوطلبان می‌شود شامل ابتکاری، تقدیرنامه و کسب رتبه و دوره‌های آموزش شغلی، فعالیت‌های تحقیقی، تألیف کتاب و مقاله، ترجمه کتب و مقالات، اختراع و نوآوری و ابتکار، طرح درس، ساخت وسایل کمک‌آموزشی، شرکت در همایش‌ها، عناوین کسب شده در طرح ارتقای شغلی، ارائه پیشنهاد‌های نو و ابتکاری، تقدیرنامه و کسب رتبه بزرگداشت مقام معلم با اشاره به اینکه منزلت معلم، شاخص معیشتی ندارد، گفت : سیاست جدید این ستاد، تفکیک بین گرامیداشت مقام و منزلت معلم در سطح معیشتی آنهاست و وظیفه همه مسئولان در جهت تأمین و بهبود معیشت معلمان است و به رخ کشاندن این فعالیت‌ها در هفته معلم کاری غیرفرهنگی است. دکتر نقوی با اشاره به جدول امتیازدهی معلمان نمونه گفت : منزلت معلم با شاخص‌های کمی و عددی قابل اندازه‌گیری نیست و شاخص‌های کیفی مانند ابتکاری، گرمی تعلیم و از خودگذشتگی‌های معلمان باید ملاک عمل باشد. وی در ادامه گفت : امسال با توجه به محدودیت زمانی موجود مجبور به ارائه همان جدول با اندکی تغییرات کمی شده‌ایم اما برای سال آینده این نشست هزاران نفره، ۱۰ نفر از معلمان برگزیده دیدگاه‌های خود را در زمینه آموزش و پرورش بیان می‌کنند. نقوی در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران سیاست وزارت آموزش و پرورش را تعامل مثبت با تشکل‌های صنفی فرهنگیان دانست و اظهار داشت: تشکل‌های صنفی سیاست وزارت آموزش و پرورش است. ارتباط تشکل‌های صنفی با این وزارتخانه به صورت یک ارتباط و تعامل الزامی است.